

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پایان نامه کارشناسی ارشد
مرکز تربیت مدرس - دانشگاه قم

اندیشه‌های کلامی

قاضی سعید قمی

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران
تهیه مدارک

استاد راهنما: دکتر نجفقلی حبیبی
استاد مشاور: استاد قاسم جوادی

۱۳۸۲ / ۱۰ / ۳۰

مهدی فرمانیان

شهریور ۱۳۸۱

۵۸۴۰۰



مرکز توییت مدرس

مرکز اطلاعات
و
مدارک علمی ایران

واحد انتشارات

با تشکر و سپاس فراوان از راهنمایی و
مشاوره بسیار مفید اساتید گرامی جناب آقای
دکتر نجفقلی حبیبی و استاد قاسم جوادی.

فهرست

۵	مقدمه.....
۷	پیشینه تحقیق.....
۷	الف: زندگانی و آثار.....
۸	ب: اندیشه‌ها.....

فصل اول: شرح احوال قاضی سعید قمی

۱۱	دوران زندگی.....
۱۲	قاضی سعید قمی، یک یا دو شخصیت.....
۱۳	مقام شاعری حکیم سعید خان قمی.....
۱۴	قاضی سعید و صفویان.....
۱۷	قاضی سعید در قم.....
۱۸	خاندان قاضی سعید قمی.....
۱۸	محمد مفید بن محمد حسین، پدر وی.....
۱۹	حکیم محمد حسین، برادر وی.....
۱۹	صدرالدین قمی، فرزند و شاگرد وی.....
۲۱	استادان قاضی سعید قمی.....
۲۱	محمد سعید و پدرش.....
۲۱	میرزا سعید و حکیم لاهیجی.....
۲۸	حکیم کوچک در محضر فیض.....
۳۱	طیب دربار و ملارجبعلی تبریزی.....
۳۳	میرزا محمد سعید و شاه فتح‌الله شاهی.....
۳۴	شاگردان قاضی سعید قمی.....

فصل دوم: آثار قاضی سعید قمی

۳۶	الف: آثار مطبوع.....
۳۶	۱. کلید بهشت.....
۳۷	۲. شرح الاربعین.....
۳۷	۳ و ۴. اسرار العبادات و حقیقة الصلاة.....
۳۷	۵. شرح توحید صدوق.....
۳۸	۶. فوائد رضویه یا شرح حدیث رأس الجالوت.....
۳۹	۷. تعلیقات بر اثولوجیا.....
۳۹	۸. مکاتبات قاضی سعید و فیض.....
۳۹	۹. مقاله التوحید یا حقیقة الصلوة.....
۳۹	ب) نسخ خطی.....

۳۹	۱. اربعینات
۴۴	۲. شرح حدیث غمامه
۴۴	۳. اسرار الصنایع
۴۵	۴. الفرد الکامل
۴۵	۵. جنسیتة العرض
۴۵	۶. شرح حدیث عمران صابی
۴۶	۷. شرح حدیث فرجه یا حلّ حدیث فرجه
۴۶	۸. دیوان شعر
۴۷	کتابها و رساله‌های منسوب به قاضی سعید

فصل سوم: خدا و اوصافش

۵۲	۱- اثبات وجود خدا
۵۳	۲- وحدانیت الهی و نفی شریک
۵۴	۳- شناخت خداوند
۵۹	۴- صفات خداوند
۵۹	الف: رابطه صفات با ذات
۶۰	ب: نفی صفات عینی و رجوع صفات به سلب
۶۳	ج: صفات ذاتی ثبوتی
۶۴	۱- ج: علم الهی
۶۶	۲- ج: قدرت
۶۸	۳- ج: حیات
۶۸	۴- ج: سمیع و بصیر
۶۹	د: صفات ذاتی سلبی
۶۹	نفی ترکیب
۶۹	نفی جسمانیت
۷۰	نفی حلول
۷۱	نفی تغییر و تحوّل
۷۱	نفی زمان و مکان
۷۲	نفی رؤیت
۷۴	صفات فعلی
۷۴	مشیت و اراده
۷۶	کلام الهی
۷۷	قضا و قدر
۷۷	رضا و سخط الهی
۷۸	صفات خبری
۸۲	عدل
۸۴	حسن و قبح عقلی
۸۴	مسئله شرّ

۸۵ خلق أفعال عباد

فصل پنجم: نبوت

۸۸ تعریف دین

۹۰ ضرورت و فواید بعثت

۹۰ ویژگی‌های انبیاء الهی

۹۲ عصمت انبیاء

۹۴ میزان آشنایی قاضی سعید با ادیان دیگر

۹۵ اسلام

۹۵ ویژگی‌های پیامبر اسلام

۱۰۱ وحی الهی

۱۰۲ قرآن

۱۰۲ عدم تحریف قرآن

۱۰۳ معراج پیامبر

فصل ششم: امامت

۱۰۷ تعریف شیعه

۱۰۷ ویژگی‌های حضرت امیر

۱۱۶ ولایت مطلقه

۱۱۷ مقام ائمه

۱۲۱ علم امام

فصل هفتم: معاد

۱۲۲ عالم ذر

۱۲۳ تناسخ

۱۲۶ نفس انسان

۱۲۶ برزخ

۱۲۷ صراط

۱۲۷ میزان

۱۲۸ ساعت

۱۲۹ بعث و معاد جسمانی

۱۳۰ بهشت

۱۳۱ دوزخ

۱۳۴ کتابنامه

ضمیمه یک: خطبه البیان

= دو: سحره و قاضی سعید

(ارتباط و آمیختگی تشیع و تصوف به چند قرن قبل از صفویان و بنا به قولی به قرون آغازین اسلام باز می‌گردد؛ ولی با ظهور صفویان، رنگ و لعابی دیگر یافت و شدت گرفت.^۱ در این دوره، فقیهان صوفی مشرب و صوفیانی که فلسفه مشاء را با تصوف درآمیخته بودند، زیاد شدند. از فقیهان صوفی مشرب این دوره می‌توان شیخ بهایی^۲ (م ۱۰۳۰ ق) و شاگرد نامدارش محمد تقی مجلسی (م ۱۰۷۳ ق) - پدر علامه مجلسی - (م ۱۱۱۱ ق) را نام برد.^۳ چکی دیگر از این فقیهان ملا محسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ ق) است. وی را پیرو طریقه نوربخشیه^۴ و صوفی وحدت وجودی^۵ دانسته‌اند. از فیلسوفان نامی، این دوره، می‌توان میرداماد (م ۱۰۴۱ ق)، ملاصدرأ^۶ (م ۱۰۵۰ ق) و ملا رجبعلی تبریزی را نام برد. ملا رجبعلی یک صوفی به تمام معنا بود که حکمت مشاء تدریس می‌کرد.^۷ قاضی سعید قمی که خود یک عارف و صوفی به تمام معناست، از شاگردان دو مکتبی است که هر دو وامدار عرفان و تصوف هستند. او قبل از آن که یک فیلسوف یا مفسر باشد، یک صوفی و به تعبیر بعضی از معاصران، یک عارف است. او با آشنایی با افکار حکمت مشاء و اشراق و متعالیه و تحقیق در احادیث و معارف اهل بیت دست به تألیف زد و احادیث کلامی را شرح نمود. در این نوشتار به شرح زندگانی و آثار وی پرداخته، اندیشه‌های کلامی وی را کاوش می‌کنیم. او جز تبیین و تفسیر احادیث مشکل شیعی، راهی نیمود و فلسفه و عرفان را به خدمت گرفت تا به مقصود خود - که همان فهم احادیث اهل بیت است - برسد. حال چه مقدار به مقصود خویش نزدیک گشت، در فصول

۱. کامل مصطفی شیبی، الصلوة بین التصوف و التشیع، ج ۲، ص ۳۷۴-۳۸۱ و ترجمه آن ص ۳۹۲-۳۹۸؛ وی می‌نویسد: «صوفیه دعوتی بود با جوهر صوفیانه و چهارچوبی شیعیانه و به تبع روضات الجنات و طرائق الحقائق، شهید ثانی، قاضی نورالله شوشتری، محمد امین استرآبادی، بنیانگذار اخباریگری و استادش محمد بن علی ابراهیم استرآبادی را صوفی معرفی می‌کند».
۲. طبقات اعلام الشیعہ ج ۵، ص ۸۵-۸۶؛ ریحانة الأدب ج ۳ و ۴، ص ۳۰۱-۳۲۰؛ وی می‌نویسد: در اغلب اشعار خود اصطلاحات عرفا و متصوفه را به کار برده است و از اوست:

تا دمی بیاسایم زین حجاب جسمانی

ساقیا بده جامی زان شراب روحانی

کافر ره عشقم من کجا مسلمانی

سجده بر بتی دارم راه مسجد منما

و نیز طرائق الحقائق ج ۱، ص ۲۵۴-۲۶۷

۳. طرائق الحقائق ج ۱/۲۶۸-۲۸۴؛ درباره صوفی بودن محمد تقی مجلسی و رد آن، از سوی فرزندش - علامه مجلسی - بحث مبسوطی ذکر شده است.
۴. الصلوة بین التشیع و التصوف ج ۲، ص ۳۷۷؛ در این صفحات قاضی نورالله شوشتری و شیخ بهایی هم پیرو فرقه نوربخشیه شناخته شده‌اند.
۵. همان؛ محمد باقر موسوی خوانساری، روضات الجنات ج ۶، ص ۷۹-۱۰۳ و نیز در طرائق الحقائق ج ۱، ص ۱۷۹ آمده است که ملا محمد طاهر قمی به فیض لقب مجوسی داده است.
۶. آقا بزرگ تهرانی از مدرسه ملاصدرا با عنوان ذوالمکتب الحادّه و اصحابه کالفیض و از ملا رجبعلی با ذوالمکتب المعتدل یاد می‌کند که این نشان از بی اطلاعی آقا بزرگ از افکار این بزرگان است.
۷. فصل اول همین کتاب با عنوان ملا رجبعلی تبریزی و قاضی سعید قمی.

آتی به آن خواهیم پرداخت. و انشاءالله بتوانیم در حدّ وسع و فهم خویش، افکار وی را بررسی نماییم. از خدای متعال توفیق این کار را خواهیم. در پایان از عزیزانی که ما را در این راه یاری کردند، به ویژه آقای قاسم جوادی، به خار راهنمایی‌های ارزنده ایشان و از دکتر نجفقلی حبیبی به خاطر در اختیار گذاشتن نسخه‌ای از اربعینات (ده رساله) و از آقایان حمید ملک‌مکان و محمد رضا رجبی به خاطر ارزیابی دقیق و نکات ارزنده‌شان تشکر و قدردانی می‌گردد. همچنین از همسر گرامی‌ام، که در این مدت زحمات زیادی را متحمل شدند سپاسگزاری می‌نمایم و این اثر ناچیز را به ایشان تقدیم می‌نمایم. از آقای ابوالفضل عرب‌پور مدیر کتابخانه آیه‌الله مرعشی تشکر می‌نمایم. و از خدای متعال برای آن سروران توفیق روزافزون خواستاریم. والله ولیّ التوفیق و الیه التکلان.

مهدی فرمانیان

۸۰/۹/۲۵

پیشینه تحقیق

الف: زندگانی و آثار

قاضی سعید از همان اوان جوانی به علت ارتباط با دربار صفویه، نام و آوازه خاصی داشته است، لذا از همان زمان نام وی در کتب تاریخی آن زمان به صورت پراکنده آمده است و به دلیل شاعر بودن نام وی در تذکره شعراء ذکر شده است، همچنانکه به علت کتب نوشته شده بدست ایشان نام وی را می توان در کتبی همچون ریاض العلماء، روضات الجنات، ریحانة الادب و غیر آن یافت^۱ ولی در قرن حاضر اولین فرد که به زندگی و آثار وی توجه کرد، سید محمد مشکات در کلید بهشت و مقدمه بلند وی بود. در همین زمان (۱۳۱۵ ش، ۱۳۵۵ ق) شرح الاربعین توسط علی محمد بامداد و دو دهه بعد (۱۳۳۵ ش) اسرار العبادات و حقیقة الصلاة توسط سید محمد سبزواری تصحیح و به بازار آمد که در مقدمه های خویش، نکاتی را تذکر داده اند. سکوتی چند دهه ای - بین دهه ۳۰ تا ۷۰ شمسی - به زندگی و آثار و افکار قاضی سعید حاکم است، تا اینکه دکتر نجفقلی حبیبی به تصحیح کتب قاضی سعید مبادرت ورزید و یکی پس از دیگری کتب ایشان را به زیور طبع آراست. یقیناً کار ایشان را در زنده کردن دوباره قاضی سعید و تعلیقات جالب و فهرستهای گوناگون که کمک کار هر محقق و اینجانب بوده است، باید ستود. بعد از کار ایشان مقالاتی همچون «مقام شاعری حکیم میرزا محمد سعید خان قمی» و «زندگانی احوال و آثار قاضی سعید قمی» در مجله نامه قم و مقاله «دیوان شعر قاضی سعید» در مجله دانشکده ادبیات تهران، در زمینه زندگانی و آثار ایشان به چاپ رسید و دیگران نیز که در اینباره به تحقیق پرداخته اند که نگارنده یکی از آنها است، از این خوان گسترده استفاده نمودند.

ب: اندیشه ها

از دیر زمان نظرات و آراء قاضی سعید مورد توجه علمای شیعه، بالخصوص عرفا شیعی بوده است^۲. در عصر حاضر می توان به توجه امام خمینی به نظرات ایشان و نقد آنها مثال زد^۳. اما تحقیق

۱. به فصل زندگی و آثار از همین کتاب مراجعه نمایید.

۲. ر.ک: شرح توحید صدوق، ج ۱ / ۷۴۷ - ۷۶۱ (تعلیقات میرزا محمد طاهر بر شرح توحید صدوق).

۳. ر.ک: مجله پاسدار اسلام، دوره ۹، اردیبهشت ۱۳۶۹، و نیز کیهان اندیشه، ش ۳۵، ص ۸۰، مقاله گزیده آرای نقادانه امام خمینی در عرفان.

پیرامون اندیشه ایشان توسط هانری کربن فرانسوی مطرح و بالنده شد. وی در این زمینه می‌گوید: «در اوائل امر، برای شروع، به تحقیق و نشر آثار شیخ اشراق سهروردی پرداختم..... بعد متوجه سید حیدر آملی مفسر شیعی آثار ابن عربی و ملاصدرا شیروازی، مفسر کتاب کافی کلینی؛ و قاضی سعید قمی، مفسر کتاب توحید شیخ صدوق.... شدم که ایشان در واقع راهنمایان من بودند».^۱ سید جلال الدین آشتیانی در زمینه تدریس کتب عرفاء توسط هانری کربن می‌نویسد: [هانری کربن] شرح اصول کافی ملاصدرا شیروازی و شرح توحید صدوق قاضی سعید قمی را در دانشگاه سربن فرانسه تدریس نموده‌اند.^۲ هانری کربن در دهه چهل شمسی مقاله‌ای تحت عنوان «خانه کعبه و راز معنوی آن از نظر قاضی سعید قمی» در مجله‌ای آلمانی به چاپ می‌رساند که در سال ۱۳۴۷ توسط بزرگ نادر زاده ترجمه و در مجله معارف اسلامی وابسته به سازمان اوقاف به چاپ می‌رسد.^۳ وی همچنین دو سخنرانی در سال ۱۳۵۴ ش (۱۹۷۶) در تهران ایراد کرده و به تبیین افکار قاضی سعید و استادش ملا رجبعلی تبریزی پرداخته و می‌نویسد: «مکتب رجبعلی تبریزی با حکمت اسماعیلی و شیخی هماهنگ است»^۴..... قاضی سعید قمی..... تمامی نظرات استاد خود را در فلسفه وجود پذیرفت..... [ما] تاثیر جریان اشراقی را در شرح بزرگ قاضی سعید قمی بر کتاب التوحید... و شرح کافی ملاصدرا به روشنی می‌بینیم».^۵ وی مشوق و همکار سید جلال الدین آشتیانی در جمع منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران است که در این مجموعه آثار ملا رجبعلی تبریزی و قاضی سعید و هم‌شاگردیهای آن آمده است. سید جلال الدین در این زمینه می‌نویسد: «آقای کربن معتقد بودند در منتخبات فلسفی فقط مطالب انتخابی از هر فیلسوف و حکیمی که دارای مقام شامخ است، نقل شود..... نگارنده، قسمت مربوط به میر داماد و میر فندرسکی را منظم نمود. و برای ایشان فرستادم، معظم له نوشتند این کار پر زحمت.... است.... تشویق و ترغیب پرفسور کربن.... علت اصلی همکاری حقیر با ایشان است».^۶ در انتها می‌توان به کتاب تاریخ فلسفه اسلامی ایشان اشاره کرد که چند صفحه‌ای را به قاضی سعید قمی اختصاص داده است.^۷ بعد از هانری کربن، سید جلال الدین آشتیانی در جلد سوم منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران به صورت مجمل به تبیین اندیشه قاضی سعید پرداخته و تعلیقات ایشان بر اثولوجیا را به چاپ رساند.^۸ از آن سال به بعد مطلبی در این زمینه منتشر نگردید، تا اینکه دکتر نجفقلی حبیبی مبادرت به تصحیح و تعلیق کتاب شرح توحید صدوق نموده و جلد اول آنرا در سال ۱۳۷۳ به چاپ رسانید. بعد از چاپ کتاب، چند معرفی از این کتاب در مجلات منتشر شد

۱. مکتب شیخی، ص ۳۷، ترجمه فریدون بهمنیار
 ۲. شرح مقدمه قیصری ص ۸۶
 ۳. مجله معارف اسلامی، نشریه سازمان اوقاف، شماره ۶، تیر ۱۳۴۷ ص ۳۴ و شماره ۸، ۷، آبان ۴۷ و فروردین ۱۳۴۸، ص ۲۹ تا ص ۳۲. مقاله اول به نام «صورت‌های معنوی» مقاله دوم «ساخت خانه کعبه».
 ۴. فلسفه ایران و فلسفه تطبیقی، ترجمه جواد طباطبایی، ص ۷۱
 ۵. همان، ص ۹۸
 ۶. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۱، ص ۱۸ - ۲۱
 ۷. تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبائی، ص ۴۸۶ - ۴۹۰
 ۸. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۳، ص ۵۷ - ۲۸۶

پیرو آن آقای محسن کدیور مقاله‌ای بنام «منزلت فلسفی قاضی سعید قمی» در این زمینه نوشت^۱ و به افکار فلسفی قاضی سعید نیم‌نگاهی انداخت و نیز دکتر ابراهیمی دینانی در سال ۱۳۷۴ مقاله‌ای تحت عنوان «عقلانی بودن اسماء و صفات خداوند از دیدگاه قاضی سعید قمی» در مجله نقد و نظر به چاپ رسانید^۲. وی همچنین در مقالاتی همچون «اصالت ماهیت از میرداماد تا عصر حاضر» «دو جریان فکری در حوزه فلسفی اصفهان» «ابداء یا ابتداء» و «اصالت وجود» مطالبی از آراء قاضی سعید آورده است^۳. همو در کتاب ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، مدخلی با نام «از صدرالمتألهین شیرازی تا قاضی سعید قمی» دارد که به تفاوتها و شباهتهای این دو متفکر پرداخته است^۴. وی همچنین در کتاب اسماء و صفات حقّ به اندیشه‌های قاضی سعید در باب اسماء و صفات خداوند پرداخته و آنرا تبیین کرده است. آقای محمد تقی کرمی پایان نامه کارشناسی ارشد خود را با عنوان الهیات تزیینی و الهیات اثباتی به بررسی اسماء و صفات حق از دیدگاه ملاصدرا و قاضی سعید معطوف داشته است^۵. آقای علی اوجبی مقاله‌ای تحت عنوان «دورنمایی از نظام فلسفی حکیم تبریزی» در آینه میراث به چاپ رسانده است^۶. و در پایان می‌توان به مقاله «نظریه قاضی سعید درباره اسماء و صفات حق تعالی» نوشته مرضیه صادقی در مجله پژوهشهای فلسفی - کلامی مثال زد^۷. در غرب بدلیل عدم معروفیت قاضی سعید و نبود کتب وی مطلبی در این زمینه گزارش نشده است. آنچه هست همان مقالات و سخنرانیهای هانری کربن است که مادلونگ از وی استفاده کرده و به صورت مختصر می‌نویسد: «قاضی سعید درباره صفات الهی که ابو یعقوب سجستانی مطرح کرده بود به نفی دوگانه تکیه می‌کرد و درباره وحدت خداوند با اصطلاحاتی نزدیک به آموزه‌های اسماعیلی به بحث پرداخت^۸». درباره شباهتها و افتراقات قاضی سعید و اسماعیلیه در پایان کتاب به صورت مبسوط بحث خواهیم کرد. تمام این مقالات گوشه‌ای از اندیشه فلسفی - کلامی قاضی سعید است و در باب نبوت، امامت، معاد، عرفان، حدیث و... مطلبی ارائه نشده است و در باب توحید فقط به بحث اسماء و صفات و اشتراک لفظی پرداخته شده است و مباحث دیگر مطرح نشده است. انشاء... در ادامه اندیشه‌های کلامی قاضی سعید را - در حدّ وسعمان - بررسی می‌نماییم. والحمد لله رب العالمین

۱. آینه پژوهش، ش ۳۲ و دفتر عقل، ص ۱۷۵ - ۱۹۲

۲. مجله نقد و نظر، ش ۳ و ۴، سال اول، تابستان و پائیز ۱۳۷۴، ص ۱۲۲ - ۱۳۳.

۳. نیایش یلسوف، ص ۲۳۴ و ۲۳۵ و ۳۴۳ - ۳۴۵ و ۳۵۲ - ۳۶۰. ۴. ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، ج ۳ / ۳۳۷ - ۳۶۰

۵. مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم و ر.ک: مجله پژوهش و حوزه، ش ۴، ص ۱۲۹.

۶. آینه میراث، ش ۳ و ۴، زمستان ۷۸ بهار ۷۹، ص ۲۵ - ۳۱. ۷. مجله پژوهشهای فلسفی - کلامی دانشگاه قم، ش ۶ - ۵، ص ۱۱۱ - ۱۲۷

۸. مکبها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، ص ۲۵۱

فصل اول

شرح احوال قاضی سعید قمی

دوران زندگی

محمد بن محمد مفید^۱ (محمد باقر^۲) بن محمد حسین^۳، مشهور به محمد سعید^۴، میرزا سعید^۵، حکیم سعید خان^۶، حکیم کوچک^۷، میرزا کوچک^۸ و سرانجام قاضی سعید قمی^۹، همه از اسامی و القاب وی بوده‌اند. او در دهم ذی‌القعدة ۱۰۴۹ق. بنا بر نقل خویش، در قم به دنیا آمد. برخی تاریخ تولد وی را ۱۰۲۹ق. ثبت کرده‌اند^{۱۰} که به احتمال بسیار تصحیف ۱۰۴۹ق است. هانری کربن، سال تولد وی را ۱۰۴۳ق. نقل کرده است و نمی‌دانیم مدرکش چیست^{۱۱}. خود قاضی سعید در خاتمه مرقاة الاسرار و مقدمه رساله شرح حدیث غمامه، سال تولد خود را ۱۰۴۹ق. ذکر می‌کند^{۱۲}. دوران کودکی را نزد پدر گذراند و مقدمات و طب را از وی آموخت. در سن نوجوانی به درس ملا عبدالرزاق لاهیجی رفت و چند صباحی از او حکمت آموخت. حدود سالهای ۱۰۶۵-۱۰۶۶ق به اصفهان هجرت کرد و در درس ملامحسن فیض کاشانی و ملارجبعلی تبریزی شرکت نمود. در همین زمان در کنار درس، طبیب

-
۱. خود قاضی سعید در ابتدای بیشتر کتاب هایش، خود را محمد بن محمد مفید و ملقب به سعید شریف قمی معرفی کرده است؛ شرح توحید صدوق ج ۱، ص ۱۸ و ج ۲، ص ۱ (محمد بن مفید)؛ ج ۳، ص ۱ (محمد المدعو بسعید الشریف القمی)؛ طبقات اعلام الشیعه، ج ۶، ص ۳۰۹؛ روضات الجنات، ج ۴، ص ۹.
 ۲. تذکره نصرآبادی ص ۱۶۷، تصحیح وحید دستگردی و ص ۲۴۱، تصحیح ناجی نصرآبادی؛ الذریعة ج ۹، ص ۴۵۱، رقم ۲۵۹۶ و خود قاضی در تشریح عظام.
 ۳. الذریعة، ج ۱۶، ص ۶۵، رقم ۳۲۷.
 ۴. همان؛ طبقات اعلام الشیعه ج ۶، ص ۳۰۹؛ ریاض العلماء ج ۲، ص ۲۸۴ ذیل رجبعلی تبریزی؛ محمد طاهر وحید قزوینی، عباسنامه، ص ۱۸۷ و ۲۵۶.
 ۵. عباسنامه، ص ۲۵۵ و ۱۸۷ و ۱۷۶ و ۲۹۷.
 ۶. آتشکده آذر، تصحیح شهیدی، ص ۲۳۶ و ۲۴۵؛ احمد فاضل، شاه عباس دوم و زمان او، ص ۲۱۹.
 ۷. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۲۸۴ و روضات الجنات، ج ۴، ص ۱۰. ۸. سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، ص ۱۰۶.
 ۹. شاه عباس دوم و زمان او، ص ۲۰۰؛ انا هیچ کدام از معاصرانش وی راقاضی سعید نام نبرده‌اند و شاید این نام از قرن ۱۳ معمول شده است و منشأ شهرت به این نام نامیدن خود قاضی سعید خویش را بدین نام است.
 ۱۰. عباس فیض، گنجینه آثار قم، ج ۱/۳۰۸.
 ۱۱. تاریخ لفظ اسلامی، ترجمه جواد طباطبائی، انتشارات کویبر، ص ۴۸۷.
 ۱۲. وی می‌نویسد: اکنون (سال ۱۰۸۴ق.) سی و پنج سال از عمرم می‌گذرد و در جای دیگر می‌نویسد: شرح حدیث غمامه را در سن پنجاه سالگی در ۱۰۹۹ق. شروع کردم..

دربار صفویان گردید و نزد برادرش - که طبیب رسمی شاه عباس ثانی بود - به طبابت پرداخت. در سال ۱۰۷۷ ق. در پی درگذشت شاه جوان،^۱ همراه برادرش به قم تبعید گردید و در آن جا شروع به تألیف و شرح احادیث اهل بیت نمود. مدتی بعد از سوی شاه سلیمان بخشوده شد و در اواخر عمر، ابتدا قاضی و سرانجام شیخ الاسلام شهر مذهبی قم گردید. تاریخ وفات او دقیقاً مشخص نیست؛ بعضی او را متوفای ۱۱۰۰ ق.^۲ و عده زیادی وی را متوفای ۱۱۰۳ ق. دانسته اند.^۳ خود وی، تاریخ پایان جلد سوم شرح توحید صدوق را، ۱۱۰۷ ق. ذکر کرده است.^۴ نویسنده کتاب دستور شهریاران که کتاب خویش را در سال ۱۱۱۳ ق. نوشته است، از قاضی سعید با لفظ مرحوم یاد کرده است.^۵ از این رو تاریخ وفات او باید بین سالهای ۱۱۰۷ تا ۱۱۱۳ ق. باشد. برخی نوشته اند که وی در سال ۱۱۲۶ زنده بود و این بر اثر یک اشتباه صورت گرفته است.^۶ بعضی تاریخ وفات او را ۱۳۰۳ ق. نوشته اند که به طور قطع تصحیف ۱۱۰۳ ق. است.^۷ مقبره وی به همراه قبر ملامحمد هیدجی معروف به قاضی هیدجی (م ۱۳۳۹ ق.) در نزدیکی مزار علی بن بابویه - پدر شیخ صدوق - است که به تازگی تجدید بنا شده است.^۸ و جزء گورستان بابلان بود. از آن گورستان بزرگ، فقط مقبره شیخان باقی مانده است.^۹

قاضی سعید قمی، یک یا دو شخصیت

بعضی از نویسندگان به خاطر تعدد القاب و اسامی قاضی سعید و پدرش، نتیجه گرفتند که آنها دو نفرند.^{۱۰} آقا بزرگ در این زمینه می نویسد: «گاهی دو برادر حکیم - سعید و حسین - با دو برادر طبیب - سعید و حسین - که از فرزندان محمد باقر و از طبیبان شاه عباس ثانی بودند مشتبه می شوند».^{۱۱} وی در جای دیگر می نویسد: «میرزا محمد سعید بن حکیم محمد باقر قمی، برادر میرزا محمد حسین است و هر دو از طبیبان شاه عباس بودند و او قبل از قاضی سعید قمی پسر محمد مفید می زیسته است».^{۱۲} بدون شک در سده یازدهم هجری در دستگاه شاه عباس ثانی، دو میرزا سعید یا محمد سعید قمی

۱. سفرنامه شاردن، ص ۱۶۰۶-۱۶۵۰.

۲. طرائق الحقائق، ج ۳، ص ۱۶۲ و در روایات الجنات آمده: «نمی دانم، شاید اوائل قرن ۱۲ و یا اواخر قرن یازدهم از دنیا رفته باشد».

۳. سید محمد مشکوة، کلید بهشت، ص ۱۱ (مقدمه)؛ ریحانة اللب، ج ۳، ص ۴۱۲-۴۱۳؛ هانری کرین، تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۴۸۷.

۴. شرح توحید صدوق، ج ۱، ص ۴ و ج ۳، ص ۶۳۹ (رمضان ۱۱۰۷).

۵. دستور شهریاران (وقایع ۱۱۰۵-۱۱۱۰)، ص ۵۷، تصحیح محمد نادر نصیری؛ درباره سال تألیف کتاب به صفحه ۵۳ مقدمه مصحح رجوع کنید.

۶. طبقات اعلام الشیعه، ج ۶، ص ۳۰۹-۳۱۰؛ علی دوانی، مفاخر اسلام، ج ۷، ص ۱۷۴؛ آقا بزرگ در ص ۳۱۰ می نویسد: «در پشت جلد دوم نسخه ای دیدم که تاریخ اتمام کتاب ۱۱۲۶ بود؛ ولی مشخص نیست از خود نویسنده یا از ناسخ کتاب است».

۷. عباس فیض، گنجینه آگار قم، ج ۱، ص ۳۰۸

۸. تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۰۳

۹. همان ج ۲، ص ۱۰۵

۱۰. فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان، ج ۷، ص ۸۵۲؛ به نقل از مقاله زندگی و احوال و آثار قاضی سعید، نامه قم، ش ۱۰، ص ۱۵۴

۱۱. طبقات اعلام الشیعه، ج ۶، ص ۲۱۵

۱۲. الذریعة، ج ۹، ص ۴۵۱/۲، رقم ۲۵۹۶.

بوده است که به فرمان شاه عباس ثانی، یکی از آنها حاکم کاشان گردید؛^۱ اما مهم این است که حکیم محمد حسین و حکیم محمد سعید، همان طبیبان شاه عباس ثانی و فرزندان محمد باقرمی باشند و میرزا محمد سعید - حاکم کاشان - نه شاعر بود، نه طبیب و نه فرزند محمد باقر؛ بلکه فرزند عبدالله است. قاضی سعید خود در جایی تصریح می‌کند که وی فرزند محمد باقر است و کتابی در علم طب^۲ و دیوانی عرفانی دارد که در این باره، بحث خواهیم کرد. در هیچ جا نیامده که قاضی سعید قمی، حاکم کاشان شده باشد و اگر این مطلب صحیح بود، ریاض العلماء، قصص الخاقانی،^۳ وقایع السنین و الأيام،^۴ عباسنامه... که در همان زمان قاضی سعید و دربارهٔ حوادث زندگی شاه عباس ثانی نوشته شده‌اند، به این امر اشاره می‌کردند. محمد باقر قمی فرزند غیاث الدین^۵ و میرزا محمد باقر - طبیب شاه حسین صفوی^۶ - در همین دوران می‌زیسته‌اند و نسبتی با خانوادهٔ قاضی سعید قمی ندارند. عباسنامه که دقیق‌ترین شرح وقایع دوران شاه عباس ثانی را بیان کرده است، به طور دقیق بین این دو تفاوت می‌گذارد و همیشه در کنار نام قاضی سعید، لفظ حکیم یا جالینوس زمان را می‌آورد.^۷

مقام شاعری حکیم سعید خان قمی

خانم دکتر امیری فیروزکوهی که در این زمینه - بر خلاف نویسنده - صاحب فن است، می‌نویسد: «وی نظیر استادش - ملا عبدالرزاق لاهیجی - از سبک معاصر خود تقلید کرده است که الفاظ و تعبیرات و ترکیبات عراقی را برشته کشیده، منتها نه چندان با صلابت و قوت که باید باشد. غزل‌های او جان‌دFTER و دیوان وی است. سبک و سیاق غزل‌ها در فاصلهٔ میان هندی و عراقی است. در شعر او غالباً تنوع و رنگارنگی و ابداع و ابتکاری وجود ندارد. از جهت لفظی و انسجام جملات به سستی و لاابالی‌گری شعرای سبک هندی نزدیک می‌شود. به هر روی هم نمی‌توان شاعری مثل حکیم سعید را در شمار شعرای سبک هندی محسوب داشت... تخلص او در این غزل‌ها «سعید» یا «تنها» است. برای وی تخلص حکیم را ذکر کرده‌اند^۸ که بی وجه است. به هر حال قاضی سعید خود را شاعر

۱. تذکره نصرآبادی، ص ۶۹ می‌نویسد: «میرزا عبدالله والد میرزا سعید (که) وزیر کاشان است...» و عباسنامه در ص ۳۱۰ ذیل سال ۱۰۷۲ق می‌نویسد: «وزارت کاشان به محمد سعید قمی مفوض گردید».
۲. در مقدمهٔ کتاب تشریح عظام الراسی و الفكک الأعلی چنین آمده است: «فیقول... محمد سعید بن محمد باقر الطیب...».
۳. گویا یک جلد این کتاب گم شده است و مصحح به آن اشاره‌ای نکرده است؛ چون انتهای جلد اول، وقایع سال ۱۰۶۰ق است و ابتدای جلد دوم، وقایع سال ۱۰۷۶ق - شانزده سال بعد - را بررسی می‌کند؛ این کتاب در سال ۱۰۷۶ق به پایان رسیده است.
۴. متأسفانه این کتاب که وقایع را بر اساس زمان بررسی کرده، هیچ نامی از قاضی سعید نمی‌برد و بدتر این که فهرست نیز ندارد.
۵. تذکره نصرآبادی، ص ۱۶۴، تصحیح ناجی نصرآبادی. ۶. محمد ابراهیم بن زین العابدین نصیری، دستور شهریاران، ص ۵۷.
۷. عباسنامه، ص ۱۸۷ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۹۷ و مقایسه کنید با ص ۳۱۰ (بحث وزارت کاشان).
۸. محمد علی مجاهدی (پروانه) در مقاله «مقام شاعری حکیم میرزا محمد سعید خان قمی»، ص ۴۷ می‌نویسد: «وی در شعر از سه تخلص استفاده کرده است: تنها، حکیم و سعید».

دانسته و در اشعار خود از دیوانش نام می‌برده^۱ وی در بیشتر غزل‌هایش، اوضاع را بر وفق مراد نمی‌بیند و از اوضاع روزگار شکایت دارد؛

زعیش خود جهان را کام تلخست

مگر شکر درین ایام تلخست

نمک پرورده صبحست عالم

نمیدانم چرا ایام تلخ است^۲

قاضی سعید همانند دیگر عالمان عصر خویش از سبکی تقلید می‌کند که نه عراقی است و نه هندی؛ بلکه تقلید ناتمامی از شیوه اساتید سبک عراقی و کوشش نافرجامی از طریقه صائب است.^۳ محمد علی مجاهدی - شاعر معاصر - درباره سبک شعری وی می‌گوید: «شیوه وی در غزل، سبک عراقی است که هر از گاه با رگه‌هایی از سبک اصفهانی (هندی). جلوه بدیعی پیدا می‌کند^۴». از همان زمان قاضی سعید، در تذکره‌های شاعران، نام وی در زمره شعرا آمده است. تذکره نصرآبادی و آتشکده آذر، قدیمی‌ترین تذکره‌هایی هستند که نام وی در آنها ذکر شده است.^۵ درباره دیوان وی که به تازگی یافت شده است، در بخش آثار، صحبت خواهیم کرد.

قاضی سعید و صفویان

به طور دقیق روشن نیست که وی در چه تاریخی به اصفهان می‌رود و به دربار صفویان راه می‌یابد. علت رفتن وی نیز برای ما مشخص نیست. ممکن است که وی به دعوت برادرش - که طبیب دربار بود - به اصفهان رفته باشد. اولین خبر درباره وی در کتاب عباسنامه است که مربوط به سالهای ۱۰۶۶ ق است. و آن زمانی است که شاه عباس ثانی در قزوین به شکار رفت و مریض گردید و به وسیله میرزا محمد سعید قمی درمان گردید؛ زیرا در این زمان برادرش - حکیم محمد حسین - در سفر حج بود.^۶ پس از آن شاه عباس در قم دو ماه در منزل حکیم محمد حسین و محمد سعید سکونت کرد و جشن شاهانه ترتیب داد.^۷ شاید ورود شاه عباس به قم، قبل از طبابت میرزا محمد سعید در قزوین بود و در همین ایام بود که شاه عباس از علم و طبابت محمد سعید مطلع گشته، وی را به دربار دعوت کرد. در ذیل حوادث سال ۱۰۷۰ ق آمده است: هنگامی که درویش مصطفی و درویش مجنون از الکاء روم به اصفهان آمده بودند، در منزل حکیم محمد حسین و حکیم محمد سعید میهمان شدند و شاه عباس

۱. امیری فیروزکوهی، مقاله «دیوان شعر قاضی سعید قمی» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره پیاپی ۱۲۱ تا

۱۲۴، شماره یک تا چهار سال سی‌ام (۱۳۷۱). ص ۸۳-۸۵. ۲. همان، ص ۸۹.

۳. همان، مقاله «شعرنامه‌های فیاض لاهیجی به قاضی سعید»، مجله دانشکده ادبیات، سال ۲۹ (۱۳۷۰)، شماره ۳ و ۴، ص ۴۱.

۴. مجاهدی، مقاله در مقام شاعری میرزا سعید...، نامه قم، ش ۹، بهار ۱۳۷۹، ص ۵۱؛ وی اشعاری از او را نیز ذکر می‌کند.

۵. همان، ص ۴۹-۴۸. ۶. عباسنامه، ص ۱۷۶.

۷. همان، ص ۱۸۷.